

اهل بیت (ع) در نهج البلاغه

طیبه بلوردی^۱

چکیده:

اهل بیت دارای منزلتی شایان و برجسته‌اند و راهبرانی هستند که با مدیریت خود آدمی را به سوی رشد معنوی و کمال سوق می‌دهند و تجسم عینی مکتب اسلام می‌باشند و واقعیت‌های تاریخی و اخبار رسیده نیز بر محاسن اخلاقی و شخصیت برجسته آنها تکیه دارد. موضوع معرفت و شناخت اهل بیت (ع) از مسائل محوری و اساسی دین ما محسوب می‌شود و در این راستا یکی از راه‌های شناخت بیشتر و عمیق آنان «بررسی تعیین جایگاه اهل بیت (ع) از دیدگاه نهج البلاغه» می‌باشد، تا زمینه‌هایی را که در نهج البلاغه در مورد شخصیت و ویژگیهای اهل بیت (ع) به آنها اشاره شده است، کنکاش کنیم. نهج البلاغه یکی از منابع جامع و غنی است که ما را در این هدف یاری خواهد کرد. تحقیق در این طرح مروری تشریحی است، که بعد از بررسی تمام خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار نهج البلاغه صورت گرفته و جملاتی که درباره اهل بیت و شناخت و شخصیت آنها بوده است استخراج و از سایت‌های اینترنتی و شرح و تفسیرهای نهج البلاغه استفاده شده است. در این طرح سخنان امام در نهج البلاغه که حول محور اهل بیت و عترت بیان گردیده جمع‌آوری شده است، سپس خصوصیات و ویژگیهای اهل بیت را به پانزده عنوان تقسیم و تحت عناوین خاص آورده است. جمله‌های مرتبط با هر موضوع را بیان کرده تا جایگاه اهل بیت در سخنان امام تعیین شود.

کلید واژه‌ها:

اهل بیت، عترت، آل محمد، نهج البلاغه.

اهمیت معرفت اهل بیت

بر هر کس واجب است که «نظام امامت» را بشناسد و به آن ایمان داشته باشد؛ و در هر زمان و هر مکان، مردم باید از این نظام اطاعت کنند و مطیع و فرمانبر این نظام و برنامه‌های آن باشند، تفاوت نمی‌کند که این نظام مسلط بر اوضاع باشد یا مسلط نباشد؛ و حکومت‌های غاصب در امور مداخله داشته باشند یا نداشته باشند.

به دلیل اهمیت حیاتی و غیرقابل انکاری که شناخت امام و به خصوص امام زمان (عج) یعنی رهبر و الگوی زمان و تنها عامل پیوند ما با خداوند دارد، شناخت امام در هر زمانی بر مردم آن زمان لازم است. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»*

«شناختن امام زمان خود به معنی عدم ارتباط با امام است و عدم ارتباط با امام یعنی قطع پیوند هدایت با خداوند و این همان مرگ جاهلیت و خروج از دین و گمراهی است.»

و امام صادق (ع) در جواب سؤال چگونگی معنای جاهلیت فرمودند:
منظور از آن جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی است.

«در هر عصر و زمان، به دلیل شرطیت شرعی تبعیت بالفعل از امام، امام زمان معصومی وجود دارد که همه مردم مسلمان باید امامت او را به گردن گیرند. (نقی پورفر، ۲۸) و این حدیث بر این حقیقت دلالت دارد که امام همواره در میان امت حضور دارد و سنگ بنای جامعه اسلامی است و بر هر فرد مسلمان، لازم است این اصل را خوب بشناسد و گوش به فرمان او باشد.
امام در بخشی از سخنان خود فرموده‌اند:

«مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَي فِرَاقِنَا وَهُوَ عَلَي مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَحَقِّ رَسُولِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيدًا، وَوَقَعَ أَجْرُهُ عَلَي اللَّهِ وَاسْتَوْجِبَ ثَوَابَ مَا نَوَى مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ، وَقَامَتِ الْبَيْتَةُ مَقَامَ إِصْلَاتِهِ لِمَسْنِفِهِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَأَجَلًا.» (خطبه: ۱۹۰)

«آن کسی که از شما در بستر خویش بمیرد، ولی به‌طور شایسته معرفت خدا و پیامبر و اهل بیتش را داشته باشد (شهید) از دنیا رفته است و اجر و پاداشش بر خداست و ثواب اعمال شایسته‌ای را که قصد انجام آن را داشته است می‌برد و نیتش، جانشین ضربات شمشیرش قرار می‌گیرد، چرا که هر چیزی مدت و سرآمد معینی دارد.»

بحث معرفت اهل بیت از چندین جهت اهمیت دارد، که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- یاران اهل بیت

محبت میل درونی به چیزی است که خیرش می‌پندارید. (راغب اصفهانی) گمان می‌برد که آن خوب است.

نخستین شرط محبت، شناخت و معرفت محبوب است؛ آدمی تا چیزی را نشناخته، نمی‌تواند دوست بدارد.

آیات قرآن مزد رسالت پیامبر را، دوستی با اهل بیت (ع) می‌داند و از مسلمانان خواسته شده که به شکرانه ایمان، تنها اهل بیت (ع) را دوست بدارند، خداوند به پیامبر فرمان می‌دهد که بگو «هیچ پاداشی از شما برای رسالتم به جز دوستی نزدیکانم (اهل بیت) نمی‌خواهم» [شوری ۴۲/ ۲۳]

دوستی اهل بیت، تنها وسیله‌ای برای راه یابی به حق و هدایت و عامل بسیار ارزنده‌ای برای تربیت و حرکت روح‌ها و زیرو رو شدن روحیه‌هاست. (ارشاد، ۱۳۸۰: ج ۳، ۲۴۷)

«ناصرنا و محبنا ينتظر الرحمة و عدونا و مبغضنا ينتظر السطوة.» (خطبه:

۱۰۹)

«پاران و دوستان ما در انتظار رحمت پروردگار و دشمنان و کینه توزان ما در انتظار کيفر و لعنت خداوند به سر می‌برند.»

امام در سخن دیگری می‌فرماید: «هر کس از شما در بستر خود بمیرد در حالی که به حق پروردگار خود و حق پیامبر او و خاندان رسالتش آشنایی داشته باشد، شهید از دنیا رفته است.»

۲- اهل بیت بهترین خاندان بشریت

به یقین یکی از ابعاد شخصیت انسان را وراثت او تشکیل می‌دهد و پدران پاک و با فضیلت و مادران با تقوا و صاحب شخصیت، زمینه‌های قداست فرزندان را به وجود می‌آورند، پیامبر اکرم (ص) از این نظر کاملاً برجسته است. او از دودمان ابراهیم و پیامبران بزرگی که از تبار او برخاستند و از صلب بنی‌هاشم که فداکاری و ایثار و بخشندگی جزء صفات برجسته آنان بوده، می‌باشد؛ این نکته نیز مسلم است که فرزندان با شخصیت، دلیل دیگری بر شخصیت هر انسان است.

در خطبه ۹۴ نهج البلاغه امام فرمودند که:

«عَثْرَتُهُ خَيْرُ الْعَثْرَةِ وَأَسْرَبُهُ خَيْرُ الْأَسْرَبِ وَبَشَجْرَتُهُ خَيْرُ الشَّجَرِ نَبَتْتُ فِي حَرَمٍ وَ بَسَنْقَتْ فِي كَرَمٍ. لَهَا فُرُوعٌ طَوَّالٌ وَ ثَمَرٌ لَا يَبُلُ.»

«عترت پیامبر (ص) بهترین عترت‌ها، خاندانش بهترین خاندان‌ها، و درخت وجودش از بهترین درختان است، در حرم امن خداوند روئید، و در آغوش خانواده کریمی بزرگ شد، شاخه‌های بلند آن (که در مجد و شرافت قد کشیده) سر به آسمان کشیده که دست کسی (فرومایگان) به میوه آن نمی‌رسد.»

همچنین در خطبه ۱۶۱ نیز امام (ع) به این موضوع اشاره کرده‌اند: «درخت وجودشان بهترین درختان است که شاخه‌هایش موزون و میوه‌هایش در دسترس همگان قرار دارد.»

از واژه «خَيْرٌ» می‌توان برتری آن بزرگواران را بر همه انسان‌ها استیفاء کرد. برتری عترت پیامبر بر دیگران را با دلایلی می‌توان اثبات کرد.

۲-۱- آیه تطهیر

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» [احزاب (۳۳)]

«همانا خداوند می‌خواهد از شما خاندان پیامبر پلیدی‌ها را بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.»

دانشمندان شیعه و بسیاری از علمای اهل تسنن مراد از اهل بیت را در این آیه کریمه، حضرت محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین صلوات‌الله علیهم می‌دانند و سایر بستگان پیامبر(ص) مانند همسران و عموها و فرزندان را مشمول آیه نمی‌شمرند.

۲-۲- آیه اطعام

«وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلٰى حَيْهٍ مِّنْكُمْ يَتِيمًا وَآسِيرًا إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لِيُوجِبَ اللَّهُ لَآ تَرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» [انسان (۷۶) / ۸۷]

«غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند. (و می‌گویند): ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.»

طیبه بلوردی

در این آیه شریفه به ماجرای نذر حضرت فاطمه (س) و حضرت علی (ع) اشاره می‌کند که به شکرانه بهبود فرزندانشان از بیماری و به اتفاق فرزندان، سه روز روزه می‌گیرند و هر روز هنگام افطار غذای خود را به مسکین و اسیر و یتیمی که تقاضای غذا می‌کنند داده و خود با آب افطار می‌کنند.

۲-۳- حدیث کساء

از ام سلمه، همسر رسول‌الله، روایت شده که آیه تطهیر در خانه او نازل شده و در آن هنگام علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام آنجا بودند، رسول‌الله ایشان را زیر عباي خود برد و فرمود اینان اهل بیت من هستند و خدا هر پلیدی را از ایشان زدوده و آنان را از هر عیب و گناه پاک و مطهر ساخته است. ابن ابی‌الحدید از دانشمندان معروف اهل سنت می‌نویسد: «تردید نیست که محمد و خاندان او از بنی‌هاشم، مخصوصاً علی(ع) نعمتی به تمام مردم بخشیدند که برای آن، اندازه‌ای تصور نتوان کرد و آن دعوت به اسلام و هدایت به سوی آن می‌باشد. درست است که محمد(ص) در این قسمت پیشقدم بود، اما سهم علی(ع) را در هدایت مردم هرگز نباید انکار نمود و اگر جهاد او در آغاز قیام پیغمبر(ص) و نیز جهاد وی در زمان خلافت و نشر علوم و تفسیر قرآن و ارشاد مسلمانان، در میان این دو جهاد نبود، از اسلام جز نامی باقی نمی‌ماند، همین خود در وجود حق او بر مردم و خدمت بزرگش به انسان‌ها کفایت می‌کند.» (ابن‌الحدید، ج ۷، ص ۵۱) و به قول حضرت امیر (ع):

«نحن شجرة النبوة ومحط الرسالة. و مختلف الملائكة. و معادن العلم. و منابع

«ما درخت نبوت و فرودگاه رسالت و محل آمد و شد فرشتگان و معدن علوم و سرچشمه های حکمتیم.»

علی (ع)، پیامبر (ص) را درخت باروری می داند که از دودمان پاک ابراهیم (ع) است، جوانمرد بت شکن و مؤسس مکتب توحید و از نژاد پاک اسماعیل ذبیح و دیگر پیامبران که پیشوایان آیین یکتاپرستی و راهنمایان مردم می باشند. این آخرین درخت بارور است که هرگز نمی خشکد، پژمرده نمی شود و میوه هایش جاودانه است.

۲-۴- آیه مباهله

«فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعِ آبَاءَنَا وَ آبَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ انْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَي الْكَذِبِينَ.» [آل عمران (۳)/۶۱]

به آنها (نصارای نجران) بگو: بیاید ما فرزندان خود را دعوت می کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت می نمایم شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت می کنیم، شما نیز از نفوس خود، آنگاه مباهله می کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می دهیم. در سال دهم هجری، تنی چند از رؤسا و علمای نجران به مدینه آمدند تا موقعیت دینی و سیاسی خود را در برابر اسلام روشن کنند و با رسول الله احتجاج و مباحثه نموده و از حقیقت اسلام با خبر گردند، بعد از آن که در مباحثه به نتیجه ای نرسیدند، رسول خدا پیشنهاد نمودند که طرفین با اهل و خاندان خود بیایند و یکدیگر را لعن و نفرین کنند (مباهله نمایند) تا روشن شود حق با کیست و طرفی که ناحق است، گرفتار نفرین شود و عذاب الهی بر آنان نازل گردد. و مسلم است تنها کسانی به مباهله حاضر می شوند که به عقیده خود اطمینان کامل داشته باشند. آن حضرت، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را خواست، آنها را نفس خود نامید و فرمود: «اللهم هولاء اهلی» و برای مباهله به سوی مسیحیان نجران رفتند.

اهل بیت در نهج البلاغه

۳۶

۳- احدی از مردم با آل محمد (ص) قابل مقایسه نیست

انسان در سیر به سوی کمال مطلق پیوسته نیازمند رهبری است، رهبری نیز شایسته کسی است که خود به کمال رسیده باشد. دوازده شخصیت به قله کمالات انسانی رسیده و پس از پیامبر اکرم (ص) مسئولیت راه بردن بشر به قله های والای انسانی را بر عهده دارند. میان همه ستارگان درخشان آسمان انسانیت، دوازده ستاره که درخشان ترینند، راهنمای انسان سرگشته به سوی حقیقت هستی اند و هیچ کس با آنان قابل مقایسه نیست. (جوادی، ۱۳۷۸: ۷۵)

امام (ع) در بخشی از خطبه دوم، برخوردارای اهل بیت (ع) را معنویت فوق العاده بیان کرده و متذکر شده اند که آنان در سطحی مافوق سطوح عادی قرار دارند؛ در چنین سطحی احدی با آنان قابل مقایسه نیست. هم چنانکه در مسئله نبوت مقایسه کردن پیامبر (ص) با دیگران نادرست است، در امر امامت نیز با وجود افرادی در این سطح، سخن از دیگران بیهوده است. (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۵۵)

«هُمْ مَوْضِعُ سِرِّهِ وَ جَاءَ أَمْرُهُ وَ عَيْنَةُ عِلْمِهِ... لَا يَمَاسُ بِأَيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

آلِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدًا. وَلَا يَسْوَى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا.» (خطبه: ۲)

«عترت پیامبر، جایگاه اسرار خداوندی، پناهگاه فرمان الهی و مخزن علم خدا... کسی را با خاندان رسالت نمی‌شود مقایسه کرد و آنها که پرورده نعمت هدایت آل بیت پیامبرند، با آنان برابر نخواهند بود.»

علم، شناخت انسان را می‌افزاید و انسانی که فهم و شناخت و آگاهی‌اش با علم الهی سمت و سو گرفت هدایت یافته است و در واقع قلب‌های مؤمنان هدایتی که از خدا دارد، به واسطه اهل بیت یافته است و شناخت‌ها و معرفت‌هایش، از نور علم هدایت می‌یابد. علوم و معارفی که از اهل بیت نقل شده، با علوم دیگران قابل مقایسه نیست.

در خطبه شقشقیه امام(ع) شکایت خود را از سه خلیفه که از روی ظلم و ستم، برایشان تعدی کرده و بر او پیشی گرفته‌اند را بیان نموده و دارا بودن مقام خلافت به دست غیر خود را زینانی بر مسلمانان دانسته و می‌فرماید:

«جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی (از جهت کمالات علمی و عملی)، چون محور سنگ‌های آسیاب است به آسیاب که دور آن حرکت می‌کند. علوم و معارف از دامن کوهسار من جاری است. هیچ پرواز کننده‌ای در فضای علم و دانش به اوج رفعت من نمی‌رسد (و به افکار بلند من راه نمی‌یابد). پس چون پسر ابی قحافه پیراهن خلافت را به ناحق پوشید من ردای خلافت را رها ساختم و دامن خود را از آن برچیدم.»

در این خطبه اشاره شده که علوم و فضائل از وجود امام علی(ع) سرچشمه می‌گیرد و همه یاران پیامبر(ص) چه در زمان پیامبر(ص) و چه دانشمندان بزرگ در قرن‌ها بعد تا زمان ما، به این حقیقت معترفند. چنانکه ابن عباس می‌گفت:

«مَا عَلِمِي وَعِلْمًا صُحَابٍ مُحَمَّدِي عِلْمِ عَلِيٍّ إِلَّا كَقَطْرَةٍ فِي سَبْعَةِ أَنْهَارٍ»

«علم من و علم دیگر اصحاب پیغمبر(ص) در برابر علم علی(ع)، چون قطره‌ای در برابر دریاست!» (امینی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۹۵)

علاوه بر آنچه در این خطبه اشاره شده، این است که ولایت اهل بیت، همان والی امور مسلمانان بودن است که ناظر به مسائل حکمت عملی و سرپرستی و تدبیر امور مسلمانان است.

اهل الیت سرچشمه علوم و معارف مختلف بوده و بنیانگذار این علوم محسوب می‌شوند، حتی چندین مرتبه در طول حیات خود در برابر علما و بزرگان قوم، مانند ابن عباس ادعا می‌کردند که هر چه می‌خواهید از من پرسید؟ «سلونی قبل ان تفقدونی»

۴- خلافت پس از پیامبر(ص) حق اهل بیت است

ختم نبوت بدون نصب امام معصوم، خلاف حکمت الهی است و کامل بودن دین جهانی و

جاودانی اسلام، منوط به این است که بعد از پیامبر اکرم (ص) جانشینان شایسته‌ای برای او تعیین گردند؛ به گونه‌ای که بجز مقام نبوت و رسالت، دارای همه مناصب الهی وی باشند. این مطلب را می‌توان از آیات کریمه قرآن و روایات فراوانی که شیعه و سنی در تفسیر آنها نقل کرده‌اند، استیفاء کرد:

از جمله در آیه سوم از سوره مائده می‌فرماید:

« **الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا** » [مائده]

[۳]

حضرت علی (ع) زمانی که به خلافت رسیدند فرمودند: قبل از این، خلافت از اهل بیت غضب شده بود و اکنون به اهل خود باز برگشته است. در موارد زیادی از حق خویش سخن گفته است که جز با مسئلهٔ تخصیص و مشخص شدن حق خلافت برای او به وسیله پیامبر اکرم (ص)، قابل توجه نیست. در نهج البلاغه صریحاً دربارهٔ اهل بیت می‌فرماید:

« **آل محمد (عليهم السلام) اساس دين و ستون‌های استوار يقين می‌باشند، و شتاب کننده باید به آنان باز گردد، و عقب مانده باید به آنها بپیوندد، زیرا ویژگی‌های ولایت به آنها اختصاص دارد و وصیت رسول اکرم (ص) نسبت به خلافت مسلمانان و میراث رسالت، به آنها تعلق دارد و هم اکنون حق به اهل آن بازگشت، و دوباره به جایگاهی که از آن دور مانده بود، باز گردانده شد.** (خطبه: ۲)

اهل بیت در
نهج البلاغه

۳۸

مراد از «پرچم حق»، کتاب خدا و عترت است که پیامبر آن دو را در میان امت مسلمان به جای گذاشته است. استعاره پرچم، از آن رو است که قرآن و عترت مایه هدایت سالکان طریق خداست؛ همان گونه که پرچم سبب راهنمایی مسافران در منزلگاه‌های دنیاست، اهل بیت پیامبر نیز راهنمای مردم در این جهان و در برخورد با گناه می‌باشند. حتی برخی بزرگان اهل سنت که خلافت علی (ع) بعد از رسول را نپذیرفته‌اند؛ نتوانسته‌اند افضل بودن او را انکار کنند.

ابن ابی الحدید می‌گوید: علی (ع) اولی و شایسته به خلافت بود، اما نه طبق نص پیامبر، بلکه به دلیل افضلیت و برتری‌اش؛ چه اینکه پس از پیغمبر (ص) افضل بشر بوده و سزاوارتر به خلافت از تمام مسلمانان بود؛ اما به خاطر مصلحتی دست از خلافت کشید. (ابن الحدید، ج ۱، ۱۲۰)

اگر پیامبر (ص) درباره آنان وصیت کرد و پیشوایی خلق را به آنان سپرد، به دلیل شایستگی و لیاقت و عصمت آنان بوده است، نه نسبت خویشی که با پیامبر (ص) داشته‌اند. در اینجا نیز منظور از وصیت و وراثت، خلافت و نبوت است و حتی کسانی که ارث را در اینجا به معنی علوم پیامبر (ص) گرفته‌اند، نتیجه‌اش شایستگی آنها برای این مقام است؛ چرا که پیشوای خلق باید وارث علوم پیامبر (ص) باشد و جانشین او همان وصی اوست. (مکارم شیرازی / ۳۱۰)

امام (ع) در نامه خود به مردم مصر، هنگامی که مالک اشتر را به عنوان فرمانروا به آنجا فرستادند، تعجب خود را دربارهٔ بیعت مردم با ابوبکر بعد از رحلت پیامبر (ص)، این گونه بیان کرده‌اند: آنگاه که پیامبر (ص) در گذشت، مسلمانان پس از وی در کار حکومت با یکدیگر درگیر شدند.

سوگند به خدا آنه در فکرم می گذشت و نه در خاطر من می آمد که عرب، خلافت را پس از رسول از اهل بیت او بگرداند، یا مرا پس از وی از عهده دار شدن حکومت بازدارد. (نامه: ۶۲)

امام همچنین در خطبه ۱۴۴ فرمودند:

«أَنَّ الْأئِمَّةَ مِنْ قُرَيْشٍ غَرَسُوا فِي هَذَا الْبَطْنِ مِنْ هَاشِمٍ، لَا تَصْلِحَ عَلِيٌّ سِوَاهُمْ وَلَا

تَصْلِحَ الْوَلَاةُ مِنْ غَيْرِهِمْ»

لیاقت و شایستگی، هرگز تولید حق نمی کند و این که امام در موارد زیادی از حق خویش سخن می گوید جز با مسئله تصویب و مشخص شدن حق خلافت برای او به وسیله پیامبر (ص) قابل توجیه نیست. سخن علی (ع) این نیست که چرا مرا با همه جامعیت شرایط کنار گذاشتند و دیگران را برگزیدند، سخنش در این است که خلافت حق قطعی و مسلم من بود که از من ربودند و به صراحت اعلام فرمودند که خلافت در غیر خاندان بنی هاشم قرار نمی گیرد و مدعیانی که مقام خلافت را برعهده گرفتند، بدون شایستگی بر این مسند تکیه زده اند؛ زیرا لازمه خلافت و امامت، خصایصی است که در غیر ائمه معصومین یافت نمی شود و طبق بیان فوق، امامت برای غیر دوازده امام شایسته نیست.

این میثم در شرح نهج البلاغه می نویسد: «اینکه ائمه (ع) از قریشند، نص مشهوری است که از پیامبر خدا (ص) نقل شده و امام (ع) نیز آن را مختص به خاندان هاشم دانسته اند. بنابر عقیده شیعه پیروی از این گفته پیامبر (ص) واجب است؛ زیرا شیعه امام را معصوم می داند و دیگر مسلمانان نیز پیروی از علی (ع) را واجب می شمرند.» (بحرانی، ۱۳۷۰: ج ۳، ۳۴۸)

و ابن ابی الحدید هم اشاره بر این مطلب کرده و گفته که علی (ع) را قبول دارد و برایش ثابت شده آنچه را که پیامبر (ص) در حق علی (ع) فرمودند: علی با حق است، به هر جا علی (ع) بر گردد، حق با او برمی گردد. (ابن الحدید، ج ۹، ۸۷)

۵- اهل بیت (ع) درهای ورود به علم و حکمت و دین و وحی هستند

انسان نمی تواند با تکیه به عقل و به کمک علم و تجربه راه هدایت را بی خطا طی نماید. هر انسانی فطرتاً به زندگی اخروی و معنویت توجه دارد و نمی توان اخلاق و معنویت را از زندگی بشر نفی کرد، بنابراین احتیاج به قانونی دارد که سعادت معنوی او را نیز تأمین کند و روح حقیقت جوی او را سیراب سازد. انسان با چشم دل هدف نهایی خود را می بیند و فراز و نشیب های زندگی خود را می شناسد.

ائمه و پیامبران مسئول تزکیه نفوس انسان ها هستند و در عرصه هستی دعوت به سوی حق می نمایند؛ و بر ماست که دعوت آنها را اجابت کنیم. میان علم و عقل و وحی و دین، هماهنگی وجود دارد بدین معنا که همه آنها برای تکامل و سعادت مندی انسان لازم است و همه رو به یک سو دارند، به سوی دنیای بی کران حقایق و واقعیت ها، و در پی یک هدفند. اما از نظر روشنی و قاطعیت در یک سطح نیستند. قاطعیت وحی صددرصدی است، ولی در روشنگری عقل و علم احتمال خطا وجود دارد.

وحی نبوی، مکمل اندیشه انسان و راهنمای برونی است (همان گونه که عقل راهنمای درونی

است). امیرمؤمنان(ع) فلسفه برانگیختن پیامبر(ص) و ظهور وحی الهی در وجود او را معرفت و عبادت خداوند بر می‌شمرد که ترسیمی از فلسفه حیات انسان و پیشی است از کمال راستین او؛ چرا که معرفت خدا، منشاء گسترش وجود انسان و تعالی عبادت او به شمار می‌رود. (ارشاد، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۳۹)

علم، دانش است و حکمت بینش، حکمت از رشد و تهذیب عقل به دست می‌آید. انسان برای کسب کمالات و حرکت به سوی کمال باید در مسیر نور قرار بگیرد و به طریقی قلب خود را نورانی کند؛ که با اکتساب یقین و علوم یقینی می‌توان آن را نورانی کرد و اهل بیت راه اتصال آدمی به علم و حکمت و وحی می‌باشند. باید توجه داشت که قیام و جهاد آنها وسکوت ایشان، نه به عنوان یک انسان آزاده و فرزانه دادگر و خردمند دادخواه و نه بر اساس تشخیص شخصی خود، بلکه به عنوان یک دستور دینی که در قرآن و سنت پیامبر(ص) تجلی یافته، انجام شده است.

در نهج البلاغه، امیر المؤمنین (ع) عترت پیغمبر(ص) را به عنوان «کنوز الرحمن» نام می‌برد. بدان معنا که برای مردم متعمق، خزانه‌ها، انبارهای علوم و معارف و کتاب‌های بسیار وجود دارد.

«نَحْنُ الشَّعَارَةُ الْأَضْحَابُ وَالْخَزَنَةُ وَالْأَبْوَابُ وَلَا تُؤْتِي النَّبِيُّوتَ إِلَّا مِنْ أَبْوَابِهَا. فَمَنْ أَتَاهَا مِنْ غَيْرِ أَبْوَابِهَا سَمِيَ سَارِقًا. مِنْهَا: فِيهِمْ كِرَائِمُ الْقُرْآنِ وَهُمْ كَنْزُ الرَّحْمَنِ إِنْ نَطَقُوا صِدْقًا وَإِنْ صَمَتُوا لَمْ يُسَبِّحُوا.» (خطبه: ۱۵۴)

ما اهل بیت پیامبر(ص) چنان پیراهن تن او، یاران راستین او، خزانه داران علوم و معارف وحی و درهای ورود به آن معارف می‌باشیم که جز از در هیچ کس به خانه‌ها وارد نخواهد شد و هر کس از غیر در وارد شود، دزد می‌نامند. مردم! درباره اهل بیت آیات قرآن نازل شد، آنان گنجینه‌های علوم خدای رحمانند، اگر سخن گویند راست است و اگر سکوت کنند بر آنان سبقت نگیرد.

امام واژه «شعار» را برای خود و خاندان پاکش به استعاره آورده که به دلیل پیوستگی و مشابهت نزدیکی به پیامبر(ص) است؛ چون شعار به معنای جامه و لباس زیرین است و تماس مستقیم و نزدیک با بدن دارد. آنها را خزانه داران بهشت نامیده و در روز رستاخیز تنها کسانی وارد بهشت می‌شوند که ولایت و دوستی آنان را با خود داشته باشند. (بحرانی، ۱۳۷۰: ج ۳، ۳۴۸)

این که اهل بیت به «در خانه» تشبیه شده‌اند، از این جهت است که شأن حفاظت از دین، جلوگیری از تهاجم به آن است، که اهل بیت پیامبر(ص) این وظیفه را بر عهده دارند؛ چرا که مفسر معصوم قرآن و سنت پیامبر(ص) می‌باشند. در تکمیل و تأیید این خطبه به فرمایش پیامبر(ص) اشاره می‌کنیم: «انا مدینه العلم و علی بابها، فمن اراد المدینه فلیأتها من الباب»

یعنی شهر علم و دانش منم و علی دروازه آن است، کسی که بخواهد؛ به شهر وارد شود باید از دروازه آن وارد شود. امیر المؤمنین (ع) عترت پیغمبر را به عنوان «کِرَائِمُ الْقُرْآنِ» نام می‌برد. آنها اهل قرآنند، قرآن با وجود آنها عجین شده، مراتب قرآن را سیر کرده‌اند، معارج قرآن را پیموده‌اند و به مقامات شامخه قرآن رسیده‌اند، اینها آثار و علائمی دارند، حرکات، قلم، رفتار و گفتارشان با دیگران فرق دارد.

این ابی الحدید ضمن اشاره به این مطلب می‌گوید: طبق اخبار رسیده امام(ع) تقسیم کننده بهشت و جهنم است، دوستان او بهشتی و دشمنانش جهنمی می‌شوند. (ابی الحدید، ج ۹، ۱۵۶)

وی همچنین می‌گوید: این مقامی است که هیچ کس جز علی (ع) جرأت ادعای آن را ندارد و اگر غیر از امیرمؤمنان کسی این سخن را می‌گفت، دروغ بود و مردم او را تکذیب می‌کردند. (همان، ج ۹، ۲۸۹)

۶- برتری علم آل محمد (ص)

در خطبه ۲۳۹ امام (ع) فرمودند: «عترت پیامبر (ص) مایه حیات دانش و نابودی جهل اند. بردباری آنها شما را از علم و دانایی آنان آگاه می‌سازد و ظاهر آنها از صفای باطن (کردار و گفتار نیک آنها بر کمال اخلاص آنان) و سکوتشان از حکمت‌های گفتارشان با خبر می‌سازد، هرگز با حق مخالفت نکردند و در آن اختلاف ندارند. همچنین امام کسانی را که ادعای علم کرده‌اند، دروغگو دانسته و مقام علمی اهل بیت را بر همگان برتر می‌داند.

«أَيُّ الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّهُمُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ نُونًا كَذِبًا وَيَغِيغُ عَلَيْنَا. أَنْ رَفَعْنَا اللَّهُ وَوَضَعَهُمْ. وَأَغْطَيْنَاوُ حَرَمَهُمْ. وَأَدْخَلْنَا وَأَخْرَجَهُمْ.» [خطبه: ۱۴۴]

«کجا هستند کسانی که پنداشتند، دانایان علم قرآن، آنان می‌باشند نه ما؟ که این ادعا را بر اساس دروغ و ستمکاری بر ضد ما روا داشتند، خدا ما را بالا آورد و آنان را پست و خوار کرد و به ما (این مقام و منزلت را) عطا فرمود و آنان را محروم ساخت. ما را در حریم نعمت‌های خویش داخل و آنان را خارج کرد.»

در سوره آل عمران آیه هفتم بیان شده که:

«وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا...»

«تأویل قرآن را جز خدا و راسخان در علم کسی نمی‌داند، راسخان علم می‌گویند به قرآن ایمان آوردیم تمام آن [چه محکم و چه مشابه] از جانب پروردگار ماست.»

«سخن حضرت هم سو با احادیث دیگر، به انحصار «راسخان» در پیامبر و اهل بیت (ع) تأکید می‌ورزد، بر این اساس گسترش حوزه راسخان به غیر معصومان ادعایی بی برهان است؛ زیرا مراد از رسوخ در علم، شناخت کامل محکمت و متشابهات و احاطه علمی به جمیع ابعاد و آفاق و لایه‌های ظاهر و باطن معارف قرآن است، نه شناختی ناقص و اندک از بخش‌های قرآن. بنابراین، پیامبر اکرم (ص) که افضل راسخان است، دانش قرآنی خود را به تعلیم فراگرفته و آموخته‌هایش را با تعلیمی اختصاصی در اختیار اوصیای خود قرار داده است، از این رو دیگران که دانش قرآنی خود را و امدار راسخان در علم هستند، هیچ‌گاه هم پایه راسخان نخواهند بود.» (رشاد، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۳۹)

علامه جعفری می‌گوید: «این تعدی و تهدید، روشن‌ترین دلیل است بر این که منظور از راسخان در علم، مردم معمولی نیستند؛ زیرا علوم آنها به جهت ابتدا به اصول و مقدمات غیر یقینی، متزلزل است و کسانی باید باشند که منابع علم آنها به ماورای طبیعت متصل باشد.» (جوادی، ۱۳۷۸)

۷- الگو بودن اهل بیت و لزوم همراهی با آنان تحت هر شرایط

نظرها و تنوع حالات ذهنی و شرایط درک‌های متضاد به قدری در انسان‌ها مختلف است که طی این مسیر حقیقتاً بدون الگو و راهنمایی راهنمایان الهی (ائمه)، در تاریکی‌های زندگی امکان پذیر نیست. انسان برای تکامل و رشد و تربیت خود احتیاج به الگو و آینه‌ای دارد که بتواند همه خوبی‌ها و بایدها و نبایدهایی را که در شدن او تأثیر دارد در آن بی‌هیچ نقصی بنگرد و رفتار خود را با آن میزان کند. چنین الگویی کسی می‌تواند باشد که خود به حد از کمال و تعالی رسیده باشد تا بتواند منبع فیض، تزکیه و تربیت دیگران قرار گیرد. میزان تأثیر گذاری الگوهای عملی بر روحیه و اعمال و رفتار انسان‌ها بر کسی پوشیده نیست.

مسئله الگو قرار دادن اهل بیت، اولاً نیازمند حرکتی علمی است که مربوط به فرآیند الگوسازی می‌باشد و ثانیاً نیازمند یک حرکت فرهنگی- اجتماعی است که مربوط به فرآیند الگوپذیری جامعه و آحاد مسلمانان است. امام این مطلب را تحت عناوینی در سخنان خود اشاره فرمودند:

به اهل بیت پیامبر بنگرید و از آن سو که گام برمی‌دارند بروید، قدم جای قدمشان بگذارید، آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به هلاکت و گمراهی باز نمی‌گردانند، اگر سکوت کردند سکوت کنید و اگر قیام کردند، قیام کنید و از ایشان پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید، و از آنها عقب نمانید که هلاک می‌گردید. (خطبه: ۹۷)

به یقین برای انسان شرایط زمان‌ها و مکان‌ها متفاوت است، در آن زمان که شرایط ایجاب می‌کند قیام کنند و وارد معرکه شوند، سکوت و سکون سبب بدبختی است و آنجا که شرایط اجازه قیام نمی‌دهد قیام کردن، مایه خسران و هدر دادن نیروها است. عالمان معصوم از اهل بیت به خوبی این شرایط را می‌شناسند و طبق آن حرکت می‌کنند و هرگونه تخلف از روش آنان مایه عقب افتادگی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ج ۴، ۳۱۵)

امام (ع) در این خطبه امت را به اطاعت محض از عترت رسول خدا (ص) دعوت می‌کند که پیروی از آنان راه هدایت است و اندکی انحراف از صراط مستقیم باعث گمراهی و هلاکت است. مردم موظفند بی‌چون و چرا از اهل بیت رسول پیروی کنند که حتی در زمان سکوت عترت، آنان نیز سکوت کنند و گام به گام در صراط حق از خاندان رسول پیروی کنند و در سیر و حرکت به سوی خدا گامی بر اهل بیت پیشی نگرفته، امامت و رهبری ایشان را نادیده نگیرند که گرفتار گمراهی می‌شوند. امام برای حفظ حکومت اسلامی و به منظور استقرار و بقای نظام اسلامی، وجود امامت و اهل بیت را ضروری می‌داند.

یکی از مهمترین کشف‌های علم مدیریت نوین و روان‌شناسی جدید در این ارتباط، شناسایی نقش «الگو» در زندگی انسان است. به عبارت دیگر در پی مطالعه زندگی صدها فرد موفق، به نکته جالبی دست یافته‌اند: «آنان که از نعمت داشتن الگو در زندگی برخوردار بوده‌اند، از سرعت سرسام آوری در برداشتن گام‌های موفقیت بهره‌مند شده‌اند». بنابراین، بسیاری از تحقیقات علم مدیریت و روان‌شناسی معاصر و نیز علم فراوان‌شناسی، اولاً بر شناسایی و کشف مکانیزم و تأثیر گذاری الگو در زندگی انسان و ثانیاً بر کشف «فرآیند الگوسازی» و «الگوپذیری» متمرکز شده است و این در حالی است که در منابع بکر و غنی ارشادات الهی در قرآن و معصومین علیهم السلام، مطالب و بحث‌های بسیار جالبی وجود دارد که در طول این سال‌ها مغفول مانده است. (حقیقت، حامد،

در تأیید خطبه فوق باید متذکر شد که اهل بیت برترین مخلوقات و شایسته ترین آنان برای متابعت و پیروی است، چنانکه در سوره آل عمران، آیه شریفه ۱۱۰ می خوانیم:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
وَلَوْ آمَنَ أَهْلَ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ».

«شما اهل بیت محمد و پیروانش بهترین مردم‌اید که برگزیده شده‌اید تا امر به معروف و نهی از منکر کرده و به خدا ایمان آورید تا پیروی شما نمایند و اگر اهل کتاب ایمان آورند برای آنها بهتر است، بعضی از ایشان ایمان آورده‌اند و بیشترشان فاسق ماندند.»

۸- زمین هیچ‌گاه از حجت اهل بیت خالی نمی‌ماند

در سوره مبارکه انعام خداوند می‌فرماید:

«وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» [انعام: ۹۷]

«او خدایی است که برای شما ستارگان را قرار داد تا با آن در تاریکی‌های خشکی و دریا هدایت شوید.»

طیبه بلوردی

۴۳

خداوند در این آیه «نجم» را وسیله انحصاری هدایت انسان‌ها معرفی می‌کند، که معمولاً به نظر می‌آید مقصود از آن ستارگان آسمان باشد. می‌توان استنباط کرد، در هر زمان «نجم» ستاره منحصر به فردی وجود دارد که مایه هدایت بشریت می‌باشد که همان سلسله جلیله مقام عصمت و طهارت است که از آدم تا خاتم، حضرت محمد(ص) و پیامبر(ص) تا ختم دنیا را در برمی‌گیرد. امام(ع) نیز در خطبه ۱۰۰ می‌فرماید:

آگاه باشید! مثل آل محمد(ص) چونان ستارگان آسمان است که اگر ستاره‌ای غروب کند، ستاره دیگری طلوع خواهد کرد. گویا می‌بینیم در پرتو خاندان پیامبر(ص) نعمت‌های خدا بر شما تمام شده و شما را به آنچه آرزو دارید می‌رسانند.

ستاره بودن ائمه برای کسی قابل فهم است که بداند وجود عترت مانند کشتی بزرگ و پرمتقارو به مقصد مهمی در حرکت است و برای کسی که بداند برای زندگی آدمی روشنایی و هم تاریکی وجود دارد؛ اگر در آن تاریکی‌ها به عقل ناچیز خود مغرور شود و پیروی از راهنمایی واقعی نکند، روشنایی‌های زندگی او به تاریکی مبدل خواهد شد. و با تمسک به روایت مشهور نبی مکرم اسلام که فرمودند: «إِنَّ الْحَسِينَ مَضْبَاحُ الْهُدَىٰ وَ سَفِيْنَةُ النَّجَاةِ» حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است. و طبق فرمایش امام صادق(ع) همه ائمه معصوم کشتی نجات و چراغ هدایتند، اما کشتی امام حسین(ع) وسیع‌تر و ارفع‌تر از بقیه است؛ آنان ستارگان هدایت برای وجود انسان‌ها در اقیانوس هستی می‌باشند.

این بخش از خطبه امام از حدیث معروف پیامبر(ص) اقتباس یافته که فرمودند:

«النجوم امان لاهل الارض من الغرق. و اهل بيتي امان لامتي من الاختلاف»

«ستارگان مایه امنیت و نجات از غرق شدن برای اهل زمین هستند و اهل بیت من / سبب امان و نجات اتمم از اختلاف هستند.» (المستدرک الحاکم: ج ۳۷، ۱۴۹)

امام علی(ع) در پایان سخن خود در حکمت ۱۴۷ می فرماید:

«چنین نیست که زمین به کلی از مردان الهی آنچنان که منافقان آرزو دارند خالی بماند، بلکه همواره و در هر زمان چنین افرادی هستند، هر چند کم.»

«زمین هرگز از حجت الهی خالی نیست که برای خدا با برهان روشن قیام کند، یا آشکار و شناخته شده است (مثل دوازده امام علیهم السلام)، یا پیمناک و پنهان (مانند امام دوازدهم) تا حجت خدا باطل نشود و نشانه‌هایش از میان نرود؛ تعدادشان چقدر و در کجایند؟ به خدا سوگند که تعدادشان اندک، ولی نزد خدا بزرگ مقدارند، که خدا به وسیله آنها حجت‌ها و نشانه‌های خود را نگاه می‌دارد، تا به کسانی که همانندشان هستند بسپارد و در دل‌های آنان بکارد. امام صادق(ع) فرمودند:

«در هر زمانی فرستادگان و پیامبرانی با دلایلی که برای اثبات حقانیت خود آورده، مبعوث شده‌اند تا زمین از حجتی که با خود دانش یا نشانه‌ای گواه بر درستی گفتار آنان دارد، خالی نباشد.» (کلبی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۲۱۲)

اهل بیت در
نهج البلاغه

۴۴

امامت در تفکر شیعی، در سطح بسیار بالاتر از حکومت مطرح است، امام وظایفی را به عهده دارد که یک شعله آن حکومت است. وظیفه اصلی امام بیان و توضیح اسلام است. او در احکام مرجعیت دارد و بدین جهت معصوم و خطا ناپذیر است. (رشاد، ۱۳۸۰: ج ۳، ۱۴۰)

۹- پیروی از اهل بیت مساوی با هدایت

چگونگی هدایت انسان همان رهبری فکری و عملی اوست. زیرا وجود انسان، هستی متفکر زنده و فعال است و برای شناختن هدایت او، بحث هدایت فکری از عملی جدا شده. تفکر و هدایت صحیح راه معصوم است و هرگز اختلاف یا تخلف به حریمش راه ندارد و علم و عمل هماهنگ با همدند.

در خطبه ۱۴۴ امام(ع) به صراحت این مطلب را عنوان کرده که:

«بنا يستعطي الهدي ويستجلي العمي.»

«که راه هدایت را با راهنمایی ما (اهل بیت) می‌بویند و روشنی دل‌های کور را از ما می‌جویند.»

واژه «عمی» برای جهل و نادانی استعاره آورده شده. انمه اذهان خلق را برای پذیرش انوار ربانی آماده و آنان را به سلوک در راه حق رهبری و ارشاد می‌کنند؛ بنابراین، هدایت و رستگاری نیز به

واسطه وجود آنها از خداوند خواسته می‌شود؛ زیرا در پرتو شایستگی آنها نفوس بشر **هَدَايَاتٌ** می‌شود و به سبب قانون‌های کلی و جزئی دین که به وسیله آنها رسیده است، زنگار جهل زدوده می‌شود و روشنایی معرفت از پروردگار درخواست می‌شود. (همان، ۳۴۸)

امام (ع) در گفتار دیگری می‌فرماید:

«بدانید که هیچ‌گاه حق را نخواهید شناخت، جز آن که ترک‌کننده آن را بشناسید! هرگز به پیمان قرآن وفادار نخواهید بود، مگر آن که پیمان شکنان را بشناسید و هرگز به قرآن تمسک نخواهید جست، مگر آن که رهاکننده آن را شناسایی کنید. پس رستگاری را از اهل آن جستجو کنید، که اهل بیت پیامبر رمز حیات دانش و راز مرگ جهل و نادانی هستند؛ آنان که حکمتشان از دانش آنان و سکونشان از منطق آنان و ظاهرشان از باطنشان خبر می‌دهد...» (خطبه: ۱۴۷)

هدایت‌گری، داوری و جامعیت قرآن، بدون در نظر گرفتن سنت پیامبر و احادیث معصومان، که در حقیقت مفسر آیات قرآنند، ناتمام خواهد بود. امام (ع) می‌فرماید:

«چپ و راست گمراهی است، راه میانه، جاده مستقیم الهی است، که قرآن و آثار نبوت، آن را سفارش می‌کند و گذرگاه سنت پیامبر و سرانجام، بازگشت همه بدان سو می‌باشد. ادعا کنند باطل نابود شد و دروغگویان کرد. به مقصود نرسد.» (خطبه: ۱۶)

طیبه بلوردی

۴۵

امام (ع) در سخنان خود به یک قانون کلی اشاره می‌کند، آن اینکه پیروزی و شکست مرهون فداکاری و نظم و متابعت زیر دست از رهبر و رئیس است، عقیده و مرام هر چه می‌خواهد باشد؛ حق یا باطل، اگر همراه نظم و ثبات و متابعت از رهبر بود پیش می‌رود و اگر بای بی‌نظمی و سستی و عدم پیروی از رهبر بود، با شکست روبرو خواهد شد. «مکارم شیرازی، ۴۲۲/۱»

«انظروا اهل بیت نبیکم فائزمو ستمتهم واتبعوا اثرهم فلن یخرجوکم من هدی ولن یعیدوکم فی ردی.» [خطبه: ۹۷]

به اهل بیت پیامبر بنگرید و از آن سو که گام برمی‌دارند بروید، قدم جای قدمشان بگذارید، آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند. انمه معصوم با تصدیق تاریخ، دارای همه گونه امتیازات لازم برای یک انسان کامل بوده و مردم آن بزرگواران را شایسته رهبری دانسته‌اند؛ این اعتقاد آنقدر اهمیت دارد که می‌توانست وضع طاغوت دوران را مختل کند.

۱۰- حق به وسیله آنها به جای خود برمی‌گردد

امام اهل بیت را وسیله برقراری حق در جایگاه اصلی و حقیقی خود می‌داند.

«آنان هرگز با حق مخالفت نکردند و در آن اختلاف ندارند، آنها ستون‌های استوار اسلام و پناهگاه‌های مردم می‌باشند، حق به وسیله آنها به خویش بازگشت. و باطل از جای خویش رانده و نابود و زبان باطل از ریشه کنده شد.» (خطبه: ۲۳۹)

همچنین در خطبه ۸۷ امام (ع) فرمودند:

«فَأَيْنَ بُنَاهُ بِكُمْ! بَلْ كَيْفَ نَعْمَهُونَ وَ بَيْنَكُمْ عِزَّهُ نَيْبِكُمْ وَ هُمْ أَرْزَمَةُ الْحَقِّ وَ
أَعْلَامُ الدِّينِ وَالسَّيْنَةُ الصِّنْفِ فَأَنْزِلُواهُمْ بِأَخْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ وَرَبُّهُمْ وَ يُودِ الْعِطْشِ».

«چرا سرگردانید؟ در حالی که عترت پیامبر شما در میان شماست. آنها زمامداران
حق و یقینند؛ پیشوایان دین و زبان‌های راستی و راستگویانند، پس باید در بهترین
منازل قرآن، جایشان دهید و همانند تشنگانی که به سوی آب شتابانند، به سویشان
هجوم ببرید.»

«مفهوم جمله «هم از ره الحقی» این است که «آنان زمامداران حق و یقینند» و نیز می‌شود آن را
کنایه از زمامداران حق دانست و در هر صورت مفهومی این است که «حق به دنبال آنها در حرکت
است.» (همان، ۳/۵۷۷)

«کسانی در بیابان‌های زندگی گمراه می‌شوند که نشانه‌های حق را در دست نداشته، و افرادی
حیران و سرگردان می‌شوند که دلایل روشن و معیارهای شناخت را در اختیار ندارند؛ اما شما با
داشتن عترت پیامبر در میان خود، هرگز نباید به چنین سرنوشتی گرفتار شوید. کسانی که خود را
به آنها تسلیم کنند، آنان را به سوی حق می‌برند و آنها که در کنارشان باشند از زبان صدق آنها بهره
می‌گیرند و آنان که از دور به آنها بنگرند، همانند کسی که از دور به پرچم‌های هدایت می‌نگرد،
هدایت می‌شوند، هر کدام به مقدار شناخت و تسلیمشان بهره می‌گیرند.» (همان)

اهل بیت در
نهج البلاغه

۴۶

۱۱- اکمال نعمت در پرتو وجود اهل بیت

کمال دین و تمام نعمت الهی، به داشتن یک ولی عالم و عادل و آگاه به زمان است که دین و
احکام دینی را خوب بفهمد، آن را تبیین کند و به اجرا درآورد.
یکی از جنبه‌های مشترک قرآن و عترت آن است که هر دو مایه حیات دینند. حضرت علی (ع)
قرآن را وسیله کمال دین به همراه ولایت دانسته و تأکید ورزیده است. آن حضرت درباره قرآن
می‌فرماید:

«اکمل له و لكم فیما انزل من کتابه دینه الذی رضی لنفسه» پیامبرش را در میان شما
قرار داد تا برای او و شما، «دین را به اکمال رساند و آنچه در قرآن نازل شد و مایه
رضای الهی است، تحقیق بخشید.» (خطبه ۸۶)

قرآن درباره ولایت و امامت امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید:

«الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام
دیناً» [مائده: ۳]

«امروز دینتان را برای شما به کمال رساندم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و

اسلام را دین شما پسندیدم.»

و این نشانگر آن است که دین و جامعه دینی، آن گاه مورد رضایت خداوند است که ولی و رهبر داشته باشد.

«قَدْ تَكَاَمَلْتُ مِنَ اللَّهِ فِيكُمْ الصَّنَائِعَ. وَ أَرَاكُمْ مَا كُنْتُمْ تَأْمَلُونَ.» [خطبه: ۱۰۰]

«در پرتو خاندان پیامبر (ص) نعمت‌های خدا بر شما تمام شده و شما را به آنچه آرزو دارید، رسانده است.»

۱۲- مرجعیت اهل بیت

افراد برگزیده در جوامع انسانی اعم از دانشمندان، رهبران سیاسی، نویسندگان و هنرمندان، غالباً در یک یا دو جهت، برجستگی خاصی دارند و نظر مردم را به خود جلب می‌کنند. از باب مثال، دانشمندی در طرح نظریات یا مسائل تازه، ابتکار به خرج می‌دهد و در میان دیگر دانشمندان، برجستگی خاصی پیدا می‌کند. رهبری، قدرت جلب مردم را دارد و از لحاظ اخلاقی در سطح عالی قرار می‌گیرد و به همین سبب در میان رهبران سیاسی و جبهه‌ای خاص کسب می‌کند.

آنچه در شخصیت پیامبران و پیشوایان دینی مشاهده می‌گردد، جامعیت است. بدیهی است کسی که می‌خواهد رهبری دین الهی را به عهده داشته باشد، باید از تمام اسرار آن باخبر باشد؛ چرا که بدون پیش‌بینی‌های صحیح در امر هدایت و تدبیر و نظم امور، نمی‌تواند رهبری را بر عهده گیرد؛ به خصوص این که رهبری آنها مربوط به زمان خاصی نبوده و به تمام تاریخ بشریت نظر داشته است. و از طرفی آنان مرجع احکام الهی می‌باشند که مردم برای حل مشکلات و اختلافات خود به آنان مراجعه می‌کنند.

امام (ع) در خطبه دوم، اهل بیت را جایگاه علم و مرجع حکمت و دانش معرفی کرده‌اند:

«هُمْ مَوْضِعُ سِرِّهِ. وَ جَاءَ أَمْرُهُ. وَ عَيْبَةُ عِلْمِهِ. وَ مَوْئِلُ حُكْمِهِ. وَ كَهْوْفُ كِتَابِهِ. وَ جِبَالُ دِينِهِ. بِهِمْ أَمَلْنَا أَنْجِنَا عَظْمَهُرِهِ. وَ أَذْهَبَ اِزْتِعَادَ فَرَائِصِهِ.» [خطبه: ۲]

«عزت پیامبر جایگاه اسرار خداوندی و پناهگاه فرمان الهی و مخزن علم خدا و مرجع احکام اسلامی و نگهبان کتاب‌های آسمانی و کوه‌های همیشه استوار دین خدایند. (تا از بادهای مخالف و تخریب دشمنان مترنزل نگردد و به سبب ایشان، باقی و برقرار بماند) خدا به وسیله اهل بیت پشت خمیده دین را راست نمود و لرزش و اضطراب آن را از میان برداشت.

ای مردم! چراغ دل را از نور گفتار گوینده با عمل، روشن سازید و ظرف‌های جاری را از آب زلال چشمه‌هایی که از آلودگی پاک است، پر نمایید. ای بندگان خدا! بر نادانی خود تکیه نکنید و تسلیم هوای نفس خویش نباشید. کسی که بر لبه پر تگاه قرار دارد و بار سنگین هلاکت و فساد را به دوش می‌کشد و از جایی به جای دیگر می‌برد، تا آنچه ناچسب است، بچسباند و آنچه را که دور می‌نماید نزدیک جلوه دهد. خدا را، خدا را! مباد که شکایت نزد کسی ببرید که نمی‌تواند آن را

برطرف سازد و توان گره‌گشایی از کارتان را ندارد. (خطبه: ۱۰۵)

۱۳- خصائص اهل بیت

بعد از رحلت پیامبر (ص)، اهل بیت عهده‌دار تبیین قرآن کریم و سنت و تعلیل معارف و مدعیات آن و دفاع از حریم مکتب‌اند و اجرای احکام اسلامی نیز در حد امکانات توسط امامان معصوم صورت می‌گیرد.

امام (ع) در بخش دیگری از سخنان خود راه نجات مردم از تاریکی و جهل را تمسک به اهل بیت پیامبر دانسته و کسانی را که سخنان آنان را نشنیده بگیرند، به افراد کر و لال تشبیه کرده‌اند.

«بنا اهتديتم في الظلماء، و تسنمتهم ذروة العلياء، و بنا افجرتم عن السرار، و قر سمع لم يفقه الواعية و كيف يراعي النبأ من اصمته الصيحة ربط جنان لم يفارقه الخفقان، ما زلت انتظر بكم عواقب الغدر.»

شما مردم به وسیله ما، از تاریکی‌های جهالت نجات یافته و هدایت شدید، به کمک ما به اوج ترقی رسیدید. صبح سعادت شما با نور ما درخشید، کراست گوشی که بانگ بلند پندها را نشنود؛ آن کس را که فریاد بلند کند، کراست. (خطبه: ۴)

«ظلماء» در لغت به معنی تاریکی است؛ در اینجا اشاره به وضعی است که در جزیره‌العرب حکمفرما بود؛ هم از نظر مذهب و طرز تفکر که مردمی بت‌پرست بودند و هم از نظر جنبه‌های طبیعی که در محیط شن‌زار بدون گیاه، پر از جانور خطرناک زندگی می‌کردند، آنها همیشه به خونریزی و قتل مشغول بودند. «مکارم شیرازی، ج ۱، ۲۹۴)

اهل بیت در
نهج البلاغه

۴۸

۱۴- اهل بیت (ع) مرجعی برای حل اختلافات

اختلاف میان مردم امری طبیعی و قطعی است و رفع اختلاف برای برقراری نظم و دوری از هرج و مرج ضروری است. یگانه مرجع علمی و فکری مسلمان بعد از پیامبر (ص)، عترت و کتاب اوست. هر زمان که امت مسلمان دچار اختلاف در امور دین و مدیریت جامعه شوند، آنان مشکل‌گشا خواهند بود.

«و قد قال الله سبحانه» فان تنازعتم في شئ فربوه الي الله و الرسول.» [سوره

۴ / آیه ۵۹]

فربوه الي الله ان نحكم بكتابه، و ربوه الي الرسول ان ناخذ بسنته؛ فاذا حكم بالصدق في كتاب الله، فنحن احق الناس به، و ان حكم بسنة رسول الله (ص) فنحن احق الناس و اولاهم بها.» [خطبه: ۱۲۵-۳-۴]

«خدای بزرگ فرمود: «اگر در چیزی اختلاف پیدا کردید آن را به خدا و رسول بازگردانید.» دلیل بازگرداندن آن به خدا این است که کتاب او را به داوری بپذیریم و بازگرداندن به پیامبر (ص) این است که سنت او را انتخاب کنیم؛ پس اگر از روی

راستی به کتاب خدا داورى شود، ما از ديگر مردم به آن سزاوارتريم و اگر در برابر سنت پيامبر تسليم باشنند، ما بدان اولى و برتريم.»

در قرآن کریم سوره یونس آیه ۳۵ می‌خوانیم:

«افمن يهدي الي الحق اَحَقُّ ان يتبع امن لا يهدي الا ان يهدي فما لكم كيف تحكمون»

«آيا آنکه خلق را به راه حق رهبری می‌کند سزاوار پیروی است یا آنکه نمی‌کند مگر آنکه خود به هدایت خدا هدایت شود؟ پس شما مشرکان را چه شده (که) آنقدر بی‌خرد و نادانید که بتان را راهنما دانید) و چگونه چنین قضاوت باطل برای بت‌ها می‌کنید.»

اهل بیت پیامبر(ص) دین را چنان که سزاوار بود، دانستند و آموختند و بدان عمل کردند، نه آنکه شنیدند و نقل کردند؛ زیرا راویان دانش بسیار، اما حفظ کنندگان به آن اندکند. (خطبه: ۲۳۹)

همان گونه که خداوند می‌فرماید:

«هل يستوي الذين يعلمون و الذين لا يعلمون. انما يتذكر اولوا الالباب.» [زمر (۳۹)]

[۹/

«آيا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند باهم برابرند و خردمندان بر این امر آگاهند.»

پس طبق حکم قرآن، ائمه راهنمای به حق و دارای همه دانش‌ها هستند و باید امام و پیشوا باشند.

۱۰- اهل بیت و قرآن

اهل بیت عالی‌ترین و نفیس‌ترین شایستگی‌ها را از نظر ایمان که مستلزم درجات بالای قرب به خداوند متعال است را دارا می‌باشند، مانند اخلاق فاضله و اعتقادات حقه‌ای که مطابق با خواست خداوند است. آنان گنجینه‌های علوم پروردگار و خزائن مکارم اخلاقند و آنچه خداوند به انجام دادن آن فرمان داده، نزد آنان است.

گفتار آنها سرشار از صداقت و راستی است. حکمت به آنها اختصاص دارد، اگر آنان از آن دم فرو بندند، کسی را یارای آن نیست که از آن سخن گوید و بر آن پیشی گیرد، از این رو سخن گفتن و خاموشی آنها به مقتضای حکمت و سکوت آنان در موضع و محل خود می‌باشد. اهل بیت(ع) نه تنها برای راهنمایی، بالاخص بهترین و شایسته‌ترین الگوی عملی برای امت اسلامی‌اند. محور و مرکز مطمئنی هستند که همه چیز با آن مقایسه و اندازه‌گیری و درباره آن قضاوت می‌شود. بدین سبب معرفت دینی خاندان پیامبر، معرفتی است یقینی.

آنان در بالاترین درجات تقوا و شایستگی‌اند، زیرا که ایشان از قرآن جدایی ناپذیرند. عترت نه

تتها حافظ قرآن، بلکه مبین و روشن کننده آیات قرآن و مفاهیم آن هستند.

«فیهم کرائم القرآن و هم کنوز الرحمن. ان نطقوا صدقوا. و ان صمتوا لم

یسبقوا.» (خطبه: ۱۵۴/۳-۴)

درباره اهل بیت پیامبر (ص) آیات کریمه قرآن نازل شد: آنان گنجینه‌های علوم خداوند رحمانند، اگر سخن گویند، راست گویند و اگر سکوت کنند، بر آنان پیشی نجوید. اهل بیت به فرمان و اذن الهی می‌توانند در مواردی که خدا به آنان اذن داده بود، در جهان تکوین تصرف کنند، نه فقط از طریق دعا و درخواست از خداوند، بلکه از طریق نفوذ و قدرت شخصی خدا داد که برای این تأثیرگذاری به آنها داده شده بود. و این همان چیزی است که ما از آن به عنوان ولایت تکوینی یاد می‌کنیم. حکومت اهل بیت، حکومتی است الهی و انقطاع ناپذیر و دوره فترت ندارد و در هر زمان و هر عصر وجود دارد. چنین نیست که زمین به کلی از مردان الهی خالی بماند، بلکه همواره و در هر زمان چنین افرادی هستند، هر چند کم.

نتیجه‌گیری

امام علی (ع) در گفتار خود، اهل بیت را بهترین خاندان بشریت معرفی می‌کند که کسی از امت پیامبر با آنها قابل مقایسه نیست و خلافت و مرجعیت بعد از پیامبر حق آنها خواهد بود. چرا که آنها درهای ورود به علم و حکمتند و علم و دانش آنها از همگان برتر است، حق و حقیقت به کمک آنها به جای اصلی خود برمی‌گردد و بر همگان است که به وجود این حجت‌های الهی معرفت و شناخت پیدا کنند و از آنان پیروی کنند که پیروی از آنها همه انسان‌ها را به هدایت و کمال می‌رساند. و زمین هیچ‌گاه از وجود آنان خالی نخواهد بود و همواره اهل بیت به عنوان حجت‌های الهی در زمین هستند، بدان معنا که امام همیشه و در همه زمان‌ها در بین مردم وجود دارد و بر مردم لازم است که او را بشناسند و از او پیروی نمایند.

باید توجه داشت که راه‌های دیگری برای شناخت ابعاد شخصیتی و معنوی آنان وجود دارد، و از جمله اثبات شأن والا و شخصیت آنان به کمک قرآن و احادیث و تدبر در قرآن کریم و آثاری همچون صحیفه سجاده امکان‌پذیر است؛ زیرا تعقل و کنکاش در محتوای این آثار غنی، راهی برای پی بردن به ذره‌ای از شخصیت روحانی و تفکر والا و علم عظیم و قداست و طهارت و حکمت اهل بیت نیز می‌باشد.

پی‌نوشت:

*. این حدیث با تغییرات متفاوت در کتاب‌های معتبر و مورد اعتماد حدیثی توسط محدثین شیعه و سنی نقل شده است. (کنز العمال، ج ۶، ص ۶۵ و مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۹۶ و غیبت نعمانی، ص ۱۲۷)

منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابی الحدید المعتزلی، عزالدین عبدالحمید بن هبقالله، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، مصر: دارالاحیاء الکتب العربیه.
۳. الامینی، عبدالحسین (۱۴۰۳). الغدیر فی الکتب العربی، چاپ پنجم، بیروت: دارالکتب العربی.
۴. بحرانی، کمال الدین محمد بن علی بن میثم (۱۳۷۰). صادق عارف، سید محمد علی، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.
۵. جعفری، وهاب (۱۳۸۱). اهل بیت در نهج البلاغه، چاپ اول، قم: مؤمنین.
۶. جوادی، محمدرضا (۱۳۷۸). اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. جوادی، محمدرضا (۱۳۷۸). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه علامه جعفری، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. دشتی، محمد (۱۳۸۲). نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام، چاپ سوم، قم: الهادی.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن احمد (۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۲ م). مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، دمشق: دارالعلم، بیروت: دارالشامیه.
۱۰. رشاد، علی اکبر (۱۳۸۰). دانشنامه امام علی (ع)، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. صالح، صبحی (بی تا). نهج البلاغه للإمام علی بن ابیطالب (ع)، چاپ پنجم، قم: دارالهجره.
۱۲. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۲ م). اصول کافی، چاپ اول، بیروت: دارالاصواء.
۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). سیری در نهج البلاغه، چاپ بیست و پنجم، تهران: صدرا.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹). پیام امام (ع) شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه، تهران: دارالسلام.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). ترجمه گویا و شرح فشرده بر نهج البلاغه، چاپ دهم، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
۱۶. معادیخواه، عبدالمجید (۱۳۷۲). فرهنگ آفتاب، فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: ذره.
۱۷. نقی پورفر، ولی الله (۱۳۷۷). بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن به روش قرآن به قرآن، چاپ اول، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

سایت‌های اینترنت

۱۸. حقیقت، حامد،

www.info@qudsdaily.net

۱۹. شریعتمداری، علی،

www.balagh.net